



انسان شناسی از منظری نو؛ چهار نظریه درباره طبیعت انسانی

عده ای معتقدند که انسان موجودی شایسته و با عظمت است، ولی نمی توان او را تکامل یافته ترین موجودات دانست، زیرا به استثنای اقلیتی از انسان ها، سایر افراد در خودخواهی و لذت پرستی غوطه ور اند.

عده ای معتقدند که انسان موجودی شایسته و با عظمت است، ولی نمی توان او را تکامل یافته ترین موجودات دانست، زیرا به استثنای اقلیتی از انسان ها، سایر افراد در خودخواهی و لذت پرستی غوطه ور اند.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر چهار نظریه درباره طبیعت انسانی اثر علامه جعفری است که از نظر می گذرد.

درباره طبیعت انسانی چهار نظریه وجود دارد:

۱- برخی از متفکران، طبیعت انسان را خوب می دانند و معتقدند که انسان موجودی شایسته است. این نظریه را به دو نظریه فرعی می توان تقسیم کرد:

الف- برخی معتقدند که انسان تکامل یافته ترین موجودات عالم طبیعت است. یعنی انسان اشرف موجودات است.

بر این نظریه دو انتقاد وارد است: اولاً ما هنوز طبیعت را به طور کامل نشناخته ایم تا بدانیم چه موجوداتی وجود دارند و در میان آن موجودات، آیا انسان برتر است یا نه؟ ثانیاً نباید پیچیدگی ابعاد انسان و تنوع استعدادهای او را با اشرف موجودات بودن او اشتباه کنیم.

ب- عده ای معتقدند که انسان موجودی شایسته و با عظمت است، ولی نمی توان او را تکامل یافته ترین موجودات یا اشرف موجودات دانست، زیرا به استثنای اقلیتی از انسان ها، سایر افراد در خودخواهی و لذت پرستی غوطه ور بوده اند.

۲- برخی از متفکران معتقدند که طبیعت انسانی بد است. از نظر آن ها انسان موجودی خودخواه است و در اشباع خودخواهی هایش از پایمال کردن حقوق دیگران ابایی ندارد. ما در تاریخ با چهره نرون روبه رو هستیم که می گفت: «ای کاش همه انسان ها یک گردن داشتند و من آن را یکباره قطع می کردم.» یا با آناستاس مواجه هستیم که برای استنشاق هوا مالیات وضع کرده بود.

با مطالعه تاریخ بشری نمی توان این نظریه را پذیرفت، زیرا در کنار خودپرستان حیوان صفت، انسان های ارزشمند و با عظمت نیز وجود داشته اند.

۳- عده ای نیز معتقدند که ما اصول بنیادین طبیعت بشری را نمی شناسیم، اما این قدر می دانیم که انسان ها در طول تاریخ خودخواهی ها و لذت پرستی های بسیار از خود نشان داده اند. انسان های بسیاری خود را هدف و دیگران را وسیله تلقی کرده اند.

این نظریه با دو اشکال روبه روست: اولاً، نمی توان ادعا کرد که از اصول بنیادین طبیعت هیچ چیز نمی دانیم. ما ابعادی از وجود بشر را شناخته ایم. ما برخی از ابعاد فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی انسان را شناسایی کرده ایم و نمی توان تلاش های اندیشمندان انسان شناس را نادیده گرفت.

ثانیاً، اگر در طول تاریخ انسان هایی بر مبنای خودخواهی و لذت پرستی و سودجویی حرکت کرده اند، عده ای هم با انگیزه های عالی انسانی زیسته اند.

۴- از یک نظر، انسان دارای استعدادهای بسیار متنوعی است که فقط برخی از آن ها را از خود بروز داده است. به فعلیت رسیدن استعدادهای انسانی را در دو بعد می توان مشاهده کرد:

الف- به فعلیت رسیدن استعدادهای انسانی که مستند به عوامل جبری زندگی هستند.

ب- توجه و اشتیاق جدی انسان ها به تعالی و کمال خود. گروهی از انسان ها در به فعلیت رساندن استعدادهای خود، گام های موثر برداشته اند. تعالی طلبان همواره اصول و ارزش های انسانی را از خطر سقوط حتمی نجات داده اند. طبق این نظریه، انسان هم دارای عظمت ها و ارزش های فوق العاده است و هم دارای پلیدی ها و تبهکاری ها.